

The Cycle of Conflict and Individual Conflict: A Sociological Analysis of Conflict Occurrence in Sanandaj

Fardin Mohammadi^{ID}

Assistant Professor, Department of Educating Social Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran
(fardin.mohammadi1@gmail.com)

Abstract

The present study intends to explore and investigate the contexts and semantic implications of individual conflict and fighting in Sanandaj through a structural-interpretive approach and thus analyze the process of formation of individual conflict in this city. In this study, the Grounded theory method of Strauss and Corbin was used and the data were collected using the in-depth interview technique. The participants of this study were street brawlers in Sanandaj city, 15 of whom were interviewed with the help of theoretical and purposeful sampling method. Finally, the collected information was coded and analyzed in the form of 18 central categories and one core category. The results of the study indicate that the conflict participants have engaged in individual conflicts with or without the use of cold weapons in contexts and conditions such as defamation and lowering the tolerance threshold (as causal conditions), Traffic problems, Mimicking violence and family tensions (as intervening conditions), and Norms of violence, a anomic economy, police patrols being delayed and monitored, a culture of honor-based courage, and ineffective litigation (as background conditions), which has consequences such as recognizing an ineffective judicial-security system, regret in the valley of duality, legal punishment, reduced sense of security, injury, and social punishment for them. Such results indicate that individual conflicts are not merely an individual matter, but also an individual, social, cultural, and institutional matter, but not a security matter.

Keywords: Violence, Individual conflict, Multidimensional anomic conflict, Conflict cycle, Defamation

پایه استاد

چرخه درگیری و منازعه فردی: تحلیل جامعه‌شناختی از وقوع نزاع در سندج

فردین محمدی^۱

چکیده

تحقیق حاضر در نظر دارد تا به میانجی رویکرد برساختی-تفسیری به کشف زمینه‌ها و دلالت‌های معنایی منازعه‌کنندگان در شهر سندج بپردازد و از این طریق فرایند شکل‌گیری نزاع‌های فردی در این شهر را مورد واکاوی قرار دهد. در این تحقیق از روش نظریه زمینه‌ای استرواس و کوربین بهره گرفته شد و داده‌ها با استفاده از تکنیک مصاحبه عمیق گردآوری شدند. مشارکت‌کنندگان این تحقیق منازعه‌کنندگان شهر سندج بودند که با کمک روش نمونه‌گیری هدفمند با استراتژی نمونه‌گیری نظری با ۱۵ نفر از آن‌ها مصاحبه گردید. نهایتاً داده‌ها در قالب ۱۸ مقوله محوری و یک مقوله هسته، کدگذاری و تحلیل گردید. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که منازعه‌کنندگان در بستر و شرایط و زمینه‌هایی مانند هتک حرمت و کاهش آستانه تحمل (به‌مثابه شرایط علی)، مشکلات ترافیکی، تقلید خشونت، تأخیر-نظاره‌گری گشت‌های پلیس و تنش‌های خانوادگی (به‌منزله شرایط مداخله‌گر) و هنجارهای خشونت، اقتصاد نابسامان، فرهنگ ناموس‌پرستی-شجاعت‌محوری و دادرسی ناکارآمد (به‌مثابه شرایط زمینه‌ای) اقدام به نزاع و درگیری با/بدون استفاده از سلاح سرد نموده‌اند که این امر پیامدهایی مانند شناخت دستگاه قضایی-امنیتی ناکارآمد، ندامت در وادی دوگانگی، مجازات قانونی، کاهش احساس امنیت، جراحت و مجازات اجتماعی برای آن‌ها دربرداشته است. چنین نتایجی بیان‌گر آن است که نزاع و درگیری فردی صرفاً امری فردی نیست، بلکه امری فردی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی نیز است و اما امنیتی نیست. واژه‌های کلیدی: خشونت، نزاع فردی، نزاع آنومیک چندبعدی، چرخه نزاع، هتک حرمت.

۱. استادیار گروه آموزش علوم اجتماعی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران/f.mohamadi@cfu.ac.ir

مقدمه

نابهنجاری‌های شهری، از مهمترین پدیده‌های اجتماعی به‌شمار می‌آیند که تأثیرات عمیقی بر ابعاد گوناگون یک جامعه دارند. یکی از این نابهنجاری‌ها، «نزاع و درگیری فردی»، به‌ویژه در قالب «نزاع‌های خیابانی» می‌باشد. این نوع نزاع‌ها معمولاً به جروب‌ها و درگیری‌هایی منجر می‌شود که ممکن است فراتر از ناسزاگویی و فریاد باشد و به صورت فیزیکی بروز کند (افشانی، نوانی و دلبازی و اصل، ۱۳۹۴: ۸۰). به‌طور کلی، نزاع و درگیری فردی، تاریخی به قدمت بشریت دارند و در سیر تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، شکل‌های گوناگونی به خود گرفته‌اند. در جوامع مدرن نزاع‌های فردی تحت تأثیر فرآیندهای صنعتی و شهری، به یک چالش اجتماعی تبدیل شده است. این قبیل نزاع‌ها با ایجاد اختلال در روابط اجتماعی و فضای آکنده از کینه و دشمنی، زمینه‌ساز بروز تنش‌های اجتماعی جدید می‌شوند و امنیت اجتماعی جامعه را به‌طرز جدی تهدید می‌کنند (احمدی و ادهمی، ۱۳۹۷: ۲۵؛ گراوند و دلاور، ۱۴۰۰: ۳). از این‌رو، نزاع‌های فردی به عنوان یکی از نمایه‌های خشونت اجتماعی در هر جامعه‌ای با شدت و کیفیت‌های متفاوتی بروز می‌کنند (خدیزاده، موسوی و جعفری کوشکی، ۲۰۲۳: ۱).

امروزه در جامعه ایران، نزاع و درگیری فردی به عنوان یکی از آسیب‌های عمده اجتماعی شناخته می‌شوند. آمارهای رسمی نشان‌دهنده شیوع فزاینده نزاع‌های غیرمسلحانه در کشور هستند که در سال‌های گذشته به ثبت رسیده‌اند. جدیدترین آمارها نشان می‌دهد در ۱۰ ماهه سال ۱۳۹۰، ۵۲۶ هزار و ۹۰۲ مورد، معاینات نزاع در مراکز پزشکی قانونی کشور صورت گرفته، این آمار نسبت به مدت مشابه سال قبل که مراجعات نزاع ۵۵۲ هزار و ۱۷۳ مورد بود، ۴/۶ درصد کاهش یافته است (سازمان پزشکی قانونی، ۱۳۹۰). با استناد به گزارش پزشکی قانونی، که در تیرماه ۱۳۹۳ منتشر شد، هر ساعت ۷۲ درگیری منجر به جرح در کشور ثبت شده است. (قاسمی و کمریگی، ۱۳۹۷: ۹۹). در نیمه نخست سال ۱۴۰۰ نیز گزارش‌های سازمان پزشکی قانونی کشور بیان‌گر آن است که ۵۰۷ هزار و ۹۵۹ مصدوم ناشی از نزاع به مراکز پزشکی مراجعه کرده‌اند (گراوند و دلاور، ۱۴۰۰: ۴). لازم به ذکر است که آمار نزاع و درگیری در کشور، یکسان و برابر نیست، به طوری که در برخی از استان‌ها، آمار نزاع و درگیری بیش‌تر و در برخی از استان‌ها، کم‌تر است، البته به لحاظ آمار نزاع و درگیری جایگاه استان‌ها و شهرهای کشور در طول زمان متفاوت بوده است. استان کردستان یکی از استان‌هایی است که در سال‌های اخیر آمار نزاع و درگیری آن بسیار زیاد بوده است. به طوری که این در استان سالانه به طور متوسط بیش از ده هزار پرونده در این مورد به ثبت می‌رسد. این استان در میان استان‌های کشور رتبه یازدهم را در این زمینه به خود اختصاص داده است (احمدی و ادهمی، ۱۳۹۷: ۷). از بین شهرستان‌های استان کردستان، آمار نزاع و درگیری فردی در شهرستان سنندج نسبت به سایر شهرستان‌ها بیش‌تر است؛ به طوری که به گفته مسئولان دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی، در شش ماهه اول سال ۱۴۰۱ آمار نزاع و درگیری در این شهرستان نزدیک به ۶۰ درصد افزایش یافته است (دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان کردستان، ۱۴۰۱). این افزایش خشونت، نه تنها امنیت و آرامش شهروندان را تهدید می‌کند، بلکه آسیب‌های روانی و اجتماعی جبران‌ناپذیری را نیز به دنبال دارد. بنابراین، بررسی دقیق و علمی این مسئله، گامی ضروری در جهت شناسایی علل اصلی و ارائه راهکارهای مؤثر برای کاهش نزاع و ارتقای سطح امنیت و سلامت اجتماعی در استان کردستان است. با توجه به آن‌که نزاع و درگیری یک پدیده اجتماعی تام به شمار می‌آید و در شکل‌گیری آن عوامل خُرد و کلان نقش دارند، مسئله معنا و آگاهی کنش‌گران در شکل‌گیری این پدیده نیز حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، با توجه به این که انسان موجودی آگاه است و با آگاهی و دلیل به کنش می‌پردازد، در تحلیل شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی مانند نزاع و درگیری نباید فقط به شرایط ساختاری و کلان اکتفا کرد، بلکه باید به عوامل خُرد نیز توجه کرد و معنا و

تجربه کنش‌گران را نیز مورد بررسی قرار داد. بنابراین، با توجه به آن که نزاع‌کننده‌ها، کنش‌گران فعالی هستند و بر اساس انگیزه، آگاهی و هدف و در تعامل با شرایط و بسترهای مختلف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و درک این شرایط به این کنش اقدام کرده‌اند و پیامدهای این کنش را تجربه نموده‌اند، مسئله اساسی تحقیق حاضر عبارت است از این که انگیزه و هدف این گروه از شهروندان کُرد از نزاع و درگیری، چه بوده است؟ و این پدیده را چگونه درک، معنا و بازنمایی می‌کنند؟ کنش آن‌ها در بستر چه زمینه‌ها و شرایطی (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و غیره) شکل گرفته است؟ تعامل آن‌ها با شرایط و زمینه‌های مذکور به چند شکل یا گونه نمود یافته است؟ پیامدهای این کنش را در زمینه‌های مختلف چگونه تجربه کرده‌اند؟

پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که در حوزه نزاع و درگیری انجام شده‌اند را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود: دسته اول، تحقیقاتی هستند که نتایج آن‌ها بیان‌گر آن است که قوم‌گرایی و مؤلفه‌های آن مانند تعصبات قومی، تنش‌های قومی، گرایش قومی و قبیله‌ای و خویشاوندگرایی مهم‌ترین عامل نزاع و درگیری قومی و دسته‌جمعی در دهه‌های اخیر است. بر اساس نتایج این تحقیقات در مناطقی که مبتنی بر نظام خویشاوندی نسبتاً یکپارچه‌ای است و گروه‌بندی‌های متمایز اجتماعی شکل نگرفته است، نزاع دسته‌جمعی به وقوع نمی‌پیوندد. ازجمله این تحقیقات می‌توان به پورافکاری (۱۳۸۳)، نظری (۱۳۸۶)، نظری و امینی فسخودی (۱۳۸۷)، ربانی و همکاران (۱۳۸۸) حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۹)، میرفردی و همکاران (۱۳۹۰)، واحدی و همکاران (۱۳۹۲)، عشایری و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۲) و عشایری و همکاران (۱۴۰۰) اشاره کرد. دسته دوم تحقیقاتی هستند که نتایج آن‌ها بیان‌گر آن است که محرومیت نسبی در حوزه اقتصادی عامل اساسی نزاع و درگیری فردی است. در این راستا می‌توان به تحقیقات افشانی و همکاران (۱۳۹۴) رحیمی و شاکری (۱۳۹۶) و بارون و هارت نیگل^۱ (۱۹۹۸) اشاره کرد.

دسته سوم تحقیقاتی هستند که نتایج آن‌ها حاکی از آن است که اختلافات مالی-تملیکی مؤلفه‌های آن مانند اختلاف ملکی، اختلاف مالی و اختلاف اجتماعی-فضایی بین فروشندگان خیابانی، عامل اساسی نزاع و درگیری فردی است. از جمله این تحقیقات می‌توان به اوجدا و پینو^۲ (۲۰۱۹)، شریعتی و همکاران (۱۳۹۱)، میرفردی و صادق‌نیا (۱۳۹۱) و عشایری و ایمانی جاجرمی (۱۳۹۲) و احمدی و ادهمی (۱۳۹۷) اشاره کرد.

دسته چهارم تحقیقاتی هستند که نتایج آن حول مفهوم بی‌سازمانی فضای جغرافیایی و مؤلفه‌های آن مانند جغرافیای نامساعد و مناطق بی‌سازمان متمرکز است. این ویژگی موجب نظارت ضعیف نیروی انتظامی در این مناطق شده که این امر نیز به‌نوبه خود موجب افزایش نزاع و درگیری فردی شده است. ازجمله این تحقیقات می‌توان به وول^۳ (۲۰۰۷) و استدمن^۴ (۲۰۰۸) اشاره کرد. دسته پنجم نیز تحقیقاتی است که نتایج آن بیان‌گر آن است که کاهش آستانه تحمل افراد موجب نزاع و درگیری فردی شده است. در این راستا می‌توان به قاسمی و کمربگی (۱۳۹۷)، احمدی و ادهمی (۱۳۹۷)، ویسی و عبدی (۱۴۰۰) و حیدری، رسول‌زاده و طهماسبی مقدم (۱۴۰۲) اشاره کرد.

مرور تحقیقات تجربی بیان‌گر آن است که نزاع و درگیری بیش‌تر با رویکرد کمی مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است و با رویکرد کیفی این موضوع بسیار کم مورد بررسی قرار گرفته است. در تحقیق حاضر سعی بر آن است که با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و روش تحقیق نظریه زمینه‌ای فرایند شکل‌گیری نزاع‌ها و درگیری‌های فردی در شهر سنندج مورد بررسی قرار گیرد.

چارچوب مفهومی

1. Baron & Hartnagel
2. Ojeda & Pino
3. Vowell
4. Steadman

در تحقیق حاضر از مفاهیم تفسیر کنش، آنومی اجتماعی، یادگیری اجتماعی، پرخاشگری فطری، منابع کمیاب، کنترل اجتماعی، تفاوت در هم‌نشینی و برساخت امنیت به مثابه چارچوب مفهومی بهره گرفته می‌شود.

کنش: این مفهوم در چارچوب رویکرد برساختی-تفسیری و کنش متقابل نمادین قرار دارد. این رویکرد این دیدگاه بر اهمیت معنا، تفسیر و کنش متقابل بین افراد تأکید دارد. نظریه پردازان کنش متقابل نمادین برای کنش اجتماعی اهمیت زیادی قائل هستند. بدین سان که معنا نه از فرایندهای ذهنی بلکه از فرایندهای کنش متقابل برمی‌خیزد. مسئله اصلی این نظریه پردازان آن نیست که انسان‌ها چگونه معانی و نمادها را از نظر ذهنی ایجاد می‌کنند، بلکه بیش‌تر به این قضیه می‌پردازند که آن‌ها چگونه طی کنش متقابل به گونه عام و اجتماعی شدن به گونه خاص، این معانی و نمادها را یاد می‌گیرند (ریترز، ۱۳۹۰: ۲۸۴). در زمینه نزاع فردی، این رویکرد می‌تواند به درک چگونگی شکل‌گیری معنای اهانت، بی‌احترامی یا غیرت در تعاملات روزمره و چگونگی تبدیل این معانی به کنش نزاع‌آمیز کمک کند.

آنومی اجتماعی: ازجمله نظریه‌های جامعه‌شناسی که در ارتباط با مسئله نزاع قابل طرح است، مفهوم بی‌هنجاری (آنومی از نگاه دورکیم و مرتون) می‌باشد. ایده اصلی دورکیم در این خصوص آن است که زندگی بدون وجود الزام‌های اخلاقی یا ضرورت‌های اجتماعی، تحمل‌ناپذیر می‌شود، و در نهایت نیز به شکل‌گیری پدیده آنومی، یعنی نوعی احساس بی‌هنجاری می‌انجامد که اغلب، مقدمه‌ای برای بروز کجروی و خودکشی است (کوئن، ۱۳۷۲). علت آشکار تحقق آنومی از نظر دورکیم، تحول شتابان اقتصادی است، زیرا این تحولات، نوعی بحران را در نظام ارزشی و هنجاری جامعه به دنبال می‌آورد (نظری، ۱۳۸۶). مرتن نیز انحراف و کژرفتاری را ناشی از گسستگی و انفصال بنیادی بین هدف‌های فرهنگی و وسایل نهادی شده جهت نیل بدان‌ها می‌داند. از این رو انحراف نه یک مسئله خاص فردی بلکه به عنوان امری اجتماعی و برخاسته از ساخت اجتماعی است. توجه ویژه مرتن به فرهنگ‌ها و جوامعی است که تأکید بیش از حدی ارزش‌ها و اهداف فرهنگی دارند و در مقابل بر اسباب و وصول به آن اهداف کم‌تر تأکید می‌کنند. از همین رو، به واسطه عدم تناسب بین هدف و وسیله، تشکل و یکپارچگی فرهنگی به وجود نیامده بلکه حالتی از احساس بی‌هنجاری یا آنومی در آن جامعه حاکم است (حسین‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

یادگیری اجتماعی: یکی از موارد و عوامل مهم در گرایش افراد به نزاع، مشاهده آن پدیده و یادگیری آن است. براساس تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به نزاع‌های فردی، زائیده یادگیری اجتماعی هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). مشاهده رفتار ناهنجار محرکی برای افراد است تا به روش غیرمعمول رفتار نمایند. توجه به این نکته مهم است که کودکان مشاهده‌گر رفتار ناهنجار خود را محدود به تقلید صرف نمی‌کنند، بلکه ناهنجاری‌های بدیع و جدید خلق می‌کنند، این امر دلالت بر آن دارد که تأثیر یک نمونه تعمیم پیدا می‌کند. نتیجه نهایی اینکه باندورا و همکارانش نشان دادند که کودکانی که شاهد پرخاشگری بوده‌اند، بیش‌تر از کودکانی که در معرض چنین مشاهده‌ای قرار نداشته‌اند، به اعمال ناهنجار دست زده‌اند (ربانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۱۰).

کنترل اجتماعی: هیرشی معتقد است که جامعه یا گروهی که در میان اعضای آن وابستگی‌های متقابل و قوی، وجود داشته باشد، بیش از جامعه یا گروهی قادر به اعمال کنترل بر اعضای خود خواهد بود که اعضای آن بستگی محکمی با هم نداشته باشند. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: ۱. وابستگی ۲. تعهد ۳. مشارکت ۴. باورها. هرگاه این مؤلفه‌ها در جامعه‌ای تضعیف شود، قدرت کنترل اجتماعی تضعیف می‌شود و زمینه برای بزهکاری و ناهنجاری فراهم می‌شود (ممتاز، ۱۳۸۷).

تفاوت در هم‌نشینی^۱: از نظر ساترلند نیز رفتار انحرافی، روان‌شناختی یا ارثی نیست و عوامل اجتماعی و فرهنگی در تبیین آن نقش دارد. وی معتقد است که کجروی در جریان کنش متقابل با دیگران آموخته می‌شود. وی جرم را ناشی از تفاوت در هم‌نشینی می‌داند؛ در جامعه‌ای که حاوی خرده‌فرهنگ‌های گوناگون است، در برخی از محیط‌های اجتماعی فعالیت‌های غیرقانونی تا حدی تشویق می‌شوند درحالی‌که در سایر محیط‌ها چنین نیست. افراد از طریق هم‌نشینی با کسانی که حامل هنجارهای مجرمانه‌اند، بزه‌کار می‌شوند. از نظر وی، رفتار مجرمانه عمدتاً در گروه‌های اولیه و خصوصاً در گروه‌های هم‌سال آموخته می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۰۴).

برساخت اجتماعی امنیت: مکتب کینهاک معتقد است که امنیت یک واقعیت عینی و از پیش موجود نیست، بلکه چیزی است که از طریق زبان و گفتمان اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. آنچه که ما به عنوان امنیت یا تهدید درک می‌کنیم، نتیجه تفاسیر و توافقات اجتماعی است. به عنوان مثال گاهی اوقات یک مسئله (مانند مهاجرت، تروریسم، یا حتی درگیری‌های خیابانی) از حوزه سیاسی عادی خارج شده و به عنوان یک تهدید وجودی برای بقای یک جامعه یا واحد سیاسی معرفی می‌شود. وقتی یک مسئله "امنیتی" تلقی می‌شود، اقدامات فوق‌العاده و خارج از روال عادی (مانند محدودیت‌های شدید، استفاده از زور، یا نقض حقوق شهروندی) برای مقابله با آن توجیه می‌پذیرد. اوله ویور^۲ به این پدیده امنیت‌سازی^۳ می‌گوید. در این فرآیند، یک بازیگر امنیتی با استفاده از گفتمان امنیتی، مخاطبان را متقاعد می‌کند که تهدید واقعی است و نیاز به اقدام فوری و اضطراری وجود دارد. گاهی اوقات نیز از یک پدیده امنیت‌زدایی^۴ می‌شود. این فرآیند عکس امنیت‌سازی است و به بازگرداندن یک مسئله از حوزه امنیتی به حوزه سیاسی عادی اشاره دارد. این امر معمولاً از طریق عادی‌سازی، حل مسالمت‌آمیز منازعات و کاهش استفاده از زبان و ابزارهای امنیتی صورت می‌گیرد (اسماعیل‌زاده امامقلی و احمدی فشارکی، ۱۳۹۵).

روش تحقیق

در پژوهش حاضر جهت دستیابی به پاسخ مسئله و اهداف تحقیق از نظریه زمینه‌ای استراوس و کوربین استفاده گردید. مشارکت‌کنندگان این تحقیق شامل آن دسته از افراد منازعه‌کننده در شهرستان سنندج بودند که در سال ۱۴۰۱ اقدام به چنین عملی کرده‌اند. در این مرحله با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر تنوع یا ناهمگون و بر مبنای معیار حصول اشباع نظری، با ۱۵ نفر از مصاحبه شد. در این تحقیق با مراجعه به زندان‌ها، کانون‌های تربیتی و بازپروری، بازداشتگاه‌ها و کلانتری‌های مختلف در شهر سنندج، افرادی که در سال جاری نزاع خیابانی را تجربه کرده بودند، شناسایی شدند و با هماهنگی قبلی، با آن‌ها به صورت حضوری یا تلفنی مصاحبه گردید.

جدول شماره ۱: مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	شماره مصاحبه	سن	جنسیت	مدرک تحصیلی
۱	۱	۲۲	مرد	کاردانی
۲	۲	۱۷	دختر	دانشجوی کارشناسی
۳	۳	۲۳	مرد	دیپلم
۴	۴	۲۵	مرد	ابتدایی
۵	۵	۲۴	مرد	سیکل
۶	۶	۱۹	مرد	دانشجوی کارشناسی

1. Differential Association Theory
2. Ole Weaver
3. Securitization
4. Desecuritization

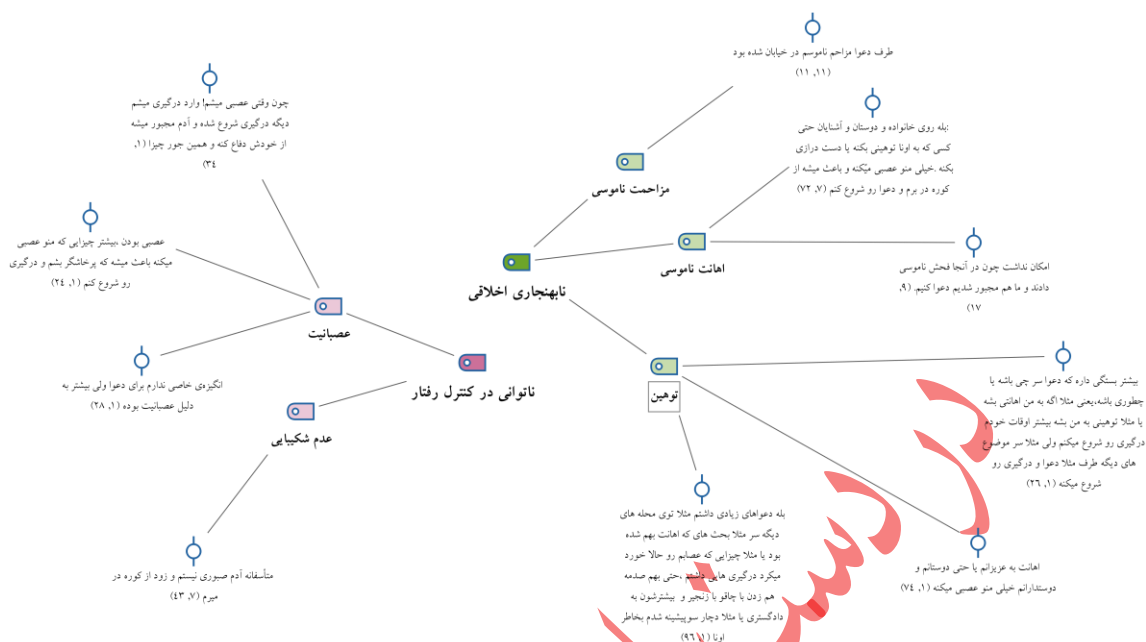
کارشناسی	مرد	۲۰	۷	۷
کارشناسی	مرد	۲۸	۸	۸
سیکل	مرد	۲۴	۹	۹
دیپلم	مرد	۲۵	۱۰	۱۰
کارشناسی	مرد	۲۴	۱۱	۱۱
دیپلم	مرد	۲۵	۱۲	۱۲
دانشجوی کارشناسی	مرد	۲۳	۱۳	۱۳
دانشجوی کارشناسی	مرد	۲۲	۱۴	۱۴
دانشجوی کارشناسی	مرد	۲۰	۱۵	۱۵

تحلیل داده‌ها نیز با بهره‌گیری از نرم‌افزار maxqda و با استفاده از مقایسه‌های ثابت در سه سطح مفاهیم، مقوله و مقوله عمده و در جریان سه مرحله کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد. در مرحله ساخت و تدوین مقوله‌ها نیز برای بخش‌بندی و تقطیع داده‌ها از روش سطر به سطر استفاده شد، به‌طوری‌که داده‌ها به بخش‌های مجزا تفکیک شدند و پس از بررسی دقیق شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود بین واحدهای متنی مورد نظر، به هر کدام از بخش‌ها با توجه به بار معنایی یا ایده اصلی موجود در آن، عناوین مفهومی معینی اختصاص یافت. در نام‌گذاری مفاهیم سعی گردید که از کدهای جنینی و تفسیری استفاده شود. در نهایت در این مرحله ۶۰ مفهوم به دست آمد. این مفاهیم عبارتند از:

استفاده از سلاح سرد برای موفقیت
قوانین ضعیف کیفری تلقی کورد با غیرت آسیب زدن
 اظهار پشیمانی ناپروری اقتصادی کاغذبازی قضایی آسیب دیدگی
 یقین به ناکارآمدی دستگاه قضا مزاحمت ناموسی بی نتیجه بودن فرایند دادرسی اهانت ناموسی
 عقاید نژاد محور دوستان ارزش شجاعت امنیت ضعیف عدم استفاده از آلت قتاله
 رانندگی خطرناک ترافیک سنگین هنجارهای نژاد محور دوستان بازداشت شدن بوق زدنهای نابجا
 مشاهده فیلمهای محرک ترافیک سنگین زل زدن تحسین سوء پیشینه تنش خانوادگی ناموس پرستی
 سرزنش خانواده آگاهی از کاغذبازی قضایی تشکیل پرونده قضایی توهین سراقندگی عدم احساس امنیت غیرتی بودن
 دفاع بدون ابزار
فحاشی عصبانیت
 تصمیم بر دعوی مجدد جنگ اعصاب در خانواده عدم مجازات کیفری سنگین کاهش منزلت اجتماعی
 مزاحمت خیابانی درآمد ناچیز
عدم حضور به موقع پلیس عدم
 نظارت ضعیف پلیس دعوا نهاد مردانگی جای پارک اتومبیل
 عدم احساس پشیمانی تن دادن شاکي به رضایت کاهش احساس امنیت
 مشاهده دعوا در فضای مجازی
کاربرد اسلحه سرد برای دفاع
 مشاهده فیلمهای رزمی

شکل شماره ۱: کدهای مفهومی درگیری و نزاع خیابانی

در مرحله مقوله‌بندی نیز براساس تکنیک مقایسه، مفاهیم بررسی شدند و مفاهیم مشترک در ذیل مقوله‌های معین قرار گرفتند. در شکل شماره ۳ نیز نمونه‌ای از و مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی داده‌ها در نرم‌افزار MAXQDA نشان داده شده است:



شکل شماره ۲: نحوه مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی درگیری و نزاع فردی

در نهایت با دسته‌بندی مفاهیم، ۱۸ مقوله انتزاعی به دست آمد که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است:

جدول ۲: مفاهیم و مقوله‌های نزاع و درگیری فردی

ردیف	مفاهیم	مقوله
۱	هنجارهای نزاع محور دوستان، عقاید نزاع محور دوستان	هنجارهای خشونت
۲	عصبانیت، عدم شکیبایی	کاهش آستانه تحمل
۳	بوق زدن‌های نابجا، ترافیک سنگین، جای پارک اتومبیل	مشکلات ترافیکی
۴	مشاهده دعوا در فضای مجازی، مشاهده فیلم‌های محرک، مشاهده فیلم‌های رزمی	تقلید خشونت
۵	قوانین ضعیف کیفری، عدم مجازات کیفری سنگین، بی نتیجه بودن فرایند دادرسی، کاغذبازی قضایی، تن دادن شاکی به رضایت	دادرسی ناکارآمد
۶	زل زدن، مزاحمت خیابانی، رانندگی خطرناک، مزاحمت ناموسی، توهین، اهانت ناموسی، فحاشی	هتک حرمت
۷	ناموس پرستی، دعوا؛ نماد مردانگی، ارزش شجاعت، تلقی کورد با غیرت، غیرتی بودن	ناموس پرستی-شجاعت محوری
۸	تنش خانوادگی، جنگ اعصاب در خانواده	تنش های خانوادگی
۹	درآمد ناچیز، مشکلات اقتصادی، نابرابری اقتصادی	اقتصاد ناپسامان
۱۰	نظارت ضعیف پلیس، عدم حضور به موقع پلیس، عدم مداخله پلیس، امنیت ضعیف	تأخیر-نظاره‌گری گشت‌های انتظامی
۱۱	دفاع بدون ابزار، عدم استفاده از آلت قتاله	دعوی غیر مسلحانه
۱۲	کاربرد اسلحه سرد برای دفاع، استفاده از سلاح سرد، استفاده از سلاح سرد برای موفقیت	دعوی مسلحانه
۱۳	ناامیدی از دستگاه های امنیتی، آگاهی از عدم حضور به موقع پلیس، یقین به ناکارآمدی دستگاه قضا، شناخت دستگاه قضایی-امنیتی	

آگاهی از کاغذبازی قضایی	ناکارآمد
۱۴	عدم احساس پشیمانی، تصمیم بر دعوای مجدد، اظهار پشیمانی
۱۵	حبس، بازداشت شدن، تشکیل پرونده قضایی، سوء پیشینه
۱۶	کاهش احساس امنیت، عدم احساس امنیت
۱۷	آسیب دیدگی، آسیب زدن
۱۸	سرافکندگی، کاهش منزلت اجتماعی، نگاه منفی اطرافیان، سرزنش خانواده
	مجازات اجتماعی

در این پژوهش برای رسیدن به معیار قابلیت اعتماد داده‌های خام در فرآیند پژوهش چندین بار بررسی و ارزیابی شدند و سعی گردید که نتایج به دست آمده با داده‌های خام مقایسه و ارزیابی گردد (مقایسه تحلیلی). همچنین مراحل کدگذاری، مفهوم‌سازی و استخراج مقولات با راهنمایی و تحت نظارت اساتیدی که در زمینه روش تحقیق کیفی تخصص داشتند، انجام گردید (تکنیک ممیزی) (استراوس و کوربین، ۱۳۹۱: ۱۸۰؛ محمدپور، ۱۳۹۲: ۲۲۵؛ فیضی و سرکیسیان، ۱۳۸۷: ۱۴).

یافته‌ها

تشریح مقوله‌های به دست آمده در تحقیقات کیفی یکی از مهم‌ترین مراحل در تحقیقات کیفی به شمار می‌آید. بنابراین در این بخش مقوله‌های مذکور مورد تشریح قرار می‌گیرند.

کاهش آستانه تحمل

این مقوله بیان‌گر آن است که منازعه‌کنندگان توانایی کنترل نفس خود را ندارند و به همین دلیل نتوانسته‌اند مشکل به وجود آمده را به صورت مسالمت‌آمیز حل نمایند. منازعه‌کنندگان به جای آن که اعتراض خود را به شکل مسالمت‌آمیز مطرح نمایند و به شکل عقلانی در پی حقوق خود باشند، به محض به وجود آمده مشکل عصبی شده و از کوره در رفته‌اند. اکثر مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که در لحظات شکل‌گیری مشکل صبر و شکیبایی آن‌ها بسیار اندک است و همین امر موجب شروع دعوا و درگیری طرفین شده است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۷) اذعان داشت: «صبر خیلی تأثیر داره به خصوص برای آدمای صبور که می‌تونند رو خودشون تمرکز داشته باشند می‌تونند خودشونو آروم کنند صبر خیلی تأثیر داره ولی متأسفانه آدم صبوری نیستم و زود از کوره در میرم».

هتک حرمت

این مقوله حاکی از آن است که آنچه سبب شکل‌گیری دعوا و منازعه شده است، توهین و اهانت و فحاشی طرفین است. منازعه‌کنندگان به جای آن که آرامش خود را حفظ نمایند و با عقل و منطق مشکل پیش آمده را حل نمایند، از همان لحظات آغازین شکل‌گیری مشکل، شروع به فحاشی و ناسزاگویی به یکدیگر کردند. همین فحاشی و ناسزاگویی موجب برافروخته شدن خشم طرفین و شکل‌گیری دعوا شده است. در این راستا لازم به ذکر است که اهانت و فحاشی فقط به شخص طرف مقابل محدود نشده، بلکه منازعه‌کنندگان پا را فراتر نهاده و به ناموس و خانواده طرف مقابل بی‌احترامی و فحاشی نموده‌اند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۳) اذعان داشت:

«واقعاً امکان نداشت چون با اون کاری که انجام دادن واقعاً آبرو منو خانودام در خطر بود حتماً می‌بایست اون کارو پیگیر می‌کردم».

از دیگر مؤلفه‌هایی که موجب شکل‌گیری دعوا و نزاع شده است، مزاحمت‌های ناموسی است. منازعه‌کنندگان اذعان داشتند که طرف مقابل برای بستگان نزدیک آن‌ها یا زنان و دخترهای مردم مزاحمت ایجاد کردند و از آنجا که مزاحمت ناموسی را یکی از توهین‌آمیزترین رفتارهای اجتماعی تلقی نموده‌اند، چنین رفتاری را برنرفته و برای تنبیه مزاحم‌های خیابانی مجبور به درگیری و دعوا شده‌اند. مشارکت‌کننده دیگری (شماره ۱۱) اذعان داشت: «طرف دعوا مزاحم ناموسم در خیابان شده بود (مصاحبه شماره ۱۱).

مشکلات ترافیکی

این مقوله بیان‌گر آن است که یکی از عواملی که زمینه‌ساز دعوا و درگیری شده، مشکلات ترافیک شهری است. اکثر مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که گاهی اوقات بخاطر پیدا کردن بوق زدن‌های نابجای رانندگان کنترل اعصاب خود را از دست دادند و شروع به ناسزاگویی و فحاشی به راننده خاطی نموده که آن نیز در نهایت منجر به درگیری طرفین شده است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۰) اذعان داشت: «بعضی وقت‌ها که حالم خوب بود از ترافیک لذت می‌بردم، اما اوقاتی که اعصاب نداشتم تنها کاری که دوست داشتم بکنم پیاده شدن و خالی کردن خودم بر روی مردم بود. و ترافیک عصبانیتم را تشدید می‌کرد». برخی دیگر از منازعه‌کنندگان اذعان داشتند که نبود یا محدودیت پارکینگ‌های شهری موجب شده که مدت زیادی را صرف یافتن جای پارک اتومبیل نمایند که گاهی اوقات بخاطر آن، مجبور به دعوا با سایر شهروندان شده‌اند. در این رابطه مشارکت‌کننده دیگری (شماره ۸) اذعان داشت: «دعوی آخرم سر این بود که رفته بودم دنبال مدرک تحصیلیم در دانشگاه. من زمان زیادی را صرف پیدا کردن جای پارک کردم یکی از آن طرف آمد در جای پارک من پارک کرد سر این مسئله بود که ما دعوایمان شروع شد. به قول معروف بزن بزن شروع شد».

تقلید خشونت

این مقوله حاکی از آن است که بسیاری از منازعه‌کنندگان به فیلم‌هایی رزمی و اکشن بسیار علاقمند بوده و به طور مستمر چنین فیلم‌هایی را مشاهده می‌کردند. مشاهده چنین فیلم‌هایی بر روحیه آن‌ها تأثیر گذاشته و آن‌ها را به تقلید چنین حرکات و دعوایی نموده است. برخی دیگر از مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که یکی از علایق آن‌ها مشاهده فیلم‌ها و کلیپ‌هایی دعوا و منازعه در فضای مجازی است و مشاهده چنین فیلم‌هایی روحیه جنگاوری، شجاعت و خشونت را در آن‌ها تقویت نموده است که در نهایت منجر به بروز هیجانات و دعوای فردی شده است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۳) اذعان داشت: «بله زیاد نگاه می‌کنم در فضای مجازی مثل شبکه‌های اجتماعی دعوای زیادی هستش که همه‌اش رو نگاه می‌کنم».

هنجارهای خشونت

این مقوله بیان‌گر آن است که گروه‌های دوستانی که افراد منازعه‌کننده در آن عضو هستند، ارزش‌ها، باورها و هنجارهایی دارند که محرک و ترغیب‌کننده دعوا و درگیری است. به عبارت دیگر، دعوا و درگیری در این گروه‌ها ارزش محسوب می‌شود و اگر زمینه نزاع و درگیری فراهم شد باید وارد عمل شد. چنین عملی موجب می‌شود که فرد در گروه دوستان سربلند باشد. در غیر این صورت مورد تمسخر و تحقیر قرار می‌گیرد. بنابراین خرده فرهنگ دوستان دربرگیرنده ارزش‌ها و هنجارهای نزاع و درگیری است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۹) اذعان داشت: «دوستان و خویشاوندان تقریباً شبیه به خودم هستند. معمولاً زمانی که دعوا می‌شود، دعوا می‌کنم (مصاحبه شماره ۹).

ناموس‌پرستی-شجاعت محوری

این مقوله حاکی از آن است شرایط فرهنگی جوانان منازعه‌کننده، دربرگیرنده ارزش‌ها، باورها و هنجارهایی است که شجاعت در آن مرکزیت دارد. اکثر جوانان منازعه‌کننده اذعان داشتند که شجاعت یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی کوردها است و به

همین دلیل نه تنها از جنگ و درگیری هیچ گونه ترس و واهمه‌ای ندارند، بلکه درگیری و نزاع را نماد مردانگی، شجاعت و غیرت ملت خود می‌دانند. همچنین این گروه از جوانان عدم درگیری و نزاع در شرایطی شکل‌گیری نزاع فردی را به معنای به چالش کشیدن و لکه‌دار کردن فرهنگ ملت خود تلقی می‌کنند. بنابراین در شرایط شکل‌گیری نزاع فردی برای سربلندی ملت خود بدون هیچ گونه واهمه‌ای به دعوا می‌پردازند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۴) اذعان داشت: «حفظ کردن غرور اینکه بعداً نگویم طرف جرأت نداشت». یکی دیگر از مؤلفه‌های فرهنگی که برای جوانان منازعه‌کننده بسیار ارزشمند و حائز اهمیت بود، مؤلفه ناموس‌پرستی است. این گروه از جوانان اذعان داشتند که برای حفظ این مؤلفه فرهنگی حاضرند تن به هرگونه دعوایی بدهند و این امری است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت یا از آن گذشت. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۱) بیان داشت: «انگیزه ما بیش‌تر به خاطر غیرت کرد بودنمان بود، به خطر غیرت کرد بودنمان هم که شده نمیشد بگذاریم به ناموسمان حرفی بزنند و همین طوری راست راست در خیابان برای خود بچرخند».

تش‌های خانوادگی

این مقوله بیان‌گر آن است که فضای خانواده افراد درگیر و منازعه‌کننده، فضایی آکنده و دربرگیرنده تنش و ناآرامی است. چنین فضایی موجب شده که این گروه از افراد همیشه ذهن ناآرامی داشته باشند. همین امر موجب شده هنگامی که این گروه از افراد به فضای اجتماعی وارد می‌شوند، توانایی برخورد صحیح با رویدادهای اجتماعی پیش آمده، ناخواسته و نامتعارف را نداشته باشند و با کوچکترین پیشامد نامتعارف کنترل ذهنی خود را از دست دهند و شروع به درگیری و نزاع نمایند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۵) اذعان داشت: «بله خیلی تو خونه با خانواده درگیری داشته باشی از خونه میزنی بیرون و وارد خیابان میشوی درحالی که اعصاب خوب نیست و با کوچکترین تنش موضوعی وارد درگیری و نزاع میشوی و قطعاً در ریشه این موضوع خانواده خیلی تاثیرگذار است». گروهی دیگر از مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند چون که فشار روانی ناشی از تنش خانوادگی آنقدر بالاست، آگاهانه به دنبال راهی برای تخلیه این فشار روانی بودند. از دیدگاه آن‌ها یکی از این راه‌ها که همیشه در دسترس است، دعوا و نزاع با دیگری است. به همین دلیل در چنین شرایطی به دنبال بهانه‌ای برای درگیری و نزاع بوده‌اند. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۴) بیان داشت: «به این دلیل که آدم عصبی میشوید سعی می‌کنید با یه بهانه‌ای خودش را تخلیه کند و دیگر برایش مهم نمی‌ماند که به چه قیمتی تمام می‌شود».

تأخیر-نظاره‌گری گشت‌های انتظامی

این مقوله حاکی از آن است که هنگام شکل‌گیری نزاع و درگیری، گشت‌های انتظامی به موقع در صحنه نزاع حضور نمی‌یابد و زمانی در محل حادثه حضور می‌یابد که نزاع به اتمام رسیده و فرد خاطی از محل حادثه متواری شده است و گاهی اوقات نیز حادثه ناخوشایندی شکل گرفته است. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند، همین تأخیر نیروی انتظامی این مجال و فرصت را به آن‌ها می‌دهد که آن‌ها از محل حادثه متواری شوند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۷) اذعان داشت: «حداقل نظارت دقیقی ندارند پیگیر هیچ چیز نمی‌باشند حتی وقت درگیری وقتی که با اونا تماس گرفته میشه دیر به مکان درگیری میرسند». بسیاری از مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که گاهی اوقات که گشت‌های انتظامی در زمان حادثه حضور دارد، زیاد مداخله نمی‌کنند و به نحوی نظاره‌گر هستند تا زمانی که نزاع و درگیری به اتمام رسد. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۸) بیان داشت:

«حتی زمانی که تماس میگیری همان‌طور که قبل هم گفتم بعد از گذشت یک ساعت می‌آیند که دعوا تمام شده، اگر هم دعوا هنوز تمام نشده باشد منتظر می‌مانند تا تمام شود بعد مداخله می‌کنند. هیچ وقت در دعوا مداخله نمی‌کنند».

دادرسی ناکارآمد

این مقوله بیان‌گر آن است که افرادی که چندین بار تجربه درگیری و نزاع را داشته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که اکثر اوقات فرایند دادرسی فرایندی ناکارآمد و بدون نتیجه است. در این راستا باید گفت که این گروه از شهروندان، به این نتیجه رسیده‌اند که قوانین کیفری ضعیف هستند و مجازات زیاد سنگین یا هراس‌انگیزی دربردارند. همین امر موجب شده که افرادی که به نحوی نزاع به پیشه و حرفه آن‌ها تبدیل شده است، بدون واکنش و ترسی اقدام به نزاع‌های فردی کنند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۰) اذعان داشت: «زمانی که کسی را می‌زدم میدانستم که قوانین انقدر سفت و سخت نیست که بیایند و من را اسیر کنند». مشارکت‌کنندگان همچنین اذعان داشتند که دادرسی و شکایت کردن بی نتیجه و بی حاصل است. در واقع آن‌ها بر این باور هستند که نظام دادرسی در ایران نظامی نیست که بتواند حق دیگران را ادا کند و همین ناکارآمدی به نفع گروهی است که خطای و هستند نه شاکی. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۵) بیان داشت: «وقتی شما ببینید که پرونده‌ای به جریان می‌افتد سالی دو سال طول خواهد کشید و همش باید هزینه رفت و آمد و جنگ اعصاب داشته باشی و بخاطر همین طرف تصمیم می‌گیرد بهتره خودش دنبال کار رو بگیره». همچنین این گروه از شهروندان اذعان داشتند که فرایند دادرسی، چیزی بیش از کاغذبازی نیست. در واقع به جای آن که افراد مجازات شوند، درگیر پروسه فرایند اداری و بوروکراتیک دادرسی می‌شوند. چنین شناختی بر شکل‌گیری نزاع‌های بعدی نقش غیرقابل انکاری داشته است. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۰) بیان داشت: «پرونده سازی و کاغذبازی خیلی زیاد شده است. خیالم راحت است که پرونده‌ها زیاد است و کسی هم زیاد پیگیر ادامه ی پرونده نیست». یکی دیگر از مؤلفه‌هایی که بیان‌گر شناخت مشارکت‌کنندگان از ناکارآمدی نظام دادرسی است، انصراف افراد شاکی از شکایت‌ها یا تن دادن‌شان به رضایت است. مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که فرایند دادسی به گونه‌ای است که ختم به خیر می‌شود و فرد شاکی تن به رضایت می‌دهد. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۱) اذعان داشت: «خیلی از پرونده‌ها تا به آن‌ها رسیدگی شود زمان طولانی صرف می‌شود. نهایتاً به در خانه شاکی می‌رویم و به زور از آن‌ها رضایت می‌گیریم».

اقتصاد نابسامان

این مقوله بیان‌گر نابسامان بودن اوضاع اقتصادی جامعه است. این اوضاع نابسامان موجب شده که اکثر شهروندان درگیر مشکلات و مسائل اقتصادی شوند که این امر نیز خود دربرگیرنده و ایجادکننده فشارهای روحی-روانی است. همین امر موجب شده اکثر شهروندان توانان رفتار صحیح با رویدادهای ناخواسته و نامتعارف را نداشته باشند و در برابر رویدادهای ناخواسته واکنشی غیرمتعارف نشان دهند و شروع به نزاع و درگیری نمایند. از جمله مسائل اقتصادی که ذهن شهروندان را بیش‌تر دستخوش آشوب و ناآرامی نموده است، نبود درآمد کافی در زندگی و مشاهده نابرابری‌های اقتصادی است. این گروه از مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند هنگامی که درآمد کافی ندارند، و همواره دغدغه اقتصادی و مالی دارند، ضمن آن که شرمسار خانواده هستند و از سوی سایر اعضای خانواده تحت فشار هستند، با هجمه‌ای از فشارهای روانی غیرقابل کنترل روبرو می‌شوند که با بروز کوچکترین حادثه فوران می‌کند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۰) اذعان داشت: «چون بعضی‌ها بدون هیچ زحمتی پول فراوانی داشتند من هم از بچگی عقده رو دلم بود که به آن جایگاه برسم و کارهایی که این افراد انجام می‌دهند را انجام دهم. متأسفانه شرایط برای من جور نبود و این فشاری هم که به مغزم می‌آمد باعث میشد که پرخاشگر بشوم».

دعوی مسلحانه

این مقوله بیان‌گر آن است که گروهی از منازعه‌کنندگان در نزاع و درگیری از سلاح سرد استفاده کرده‌اند. این گروه از منازعه‌کنندگان افرادی هستند که سابقه نسبتاً بالایی در منازعه و درگیری دارند و به نحوی می‌توان گفت که در برنامه روزانه و زندگی‌شان

درگیری و نزاع را گنجانده و پیش‌بینی کرده‌اند. در این راستا گروهی از مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که دلیل استفاده آن‌ها از سلاح سرد آن بوده که فرد مقابل از سلاح سرد استفاده کرده و ممکن بوده که به وی صدمه جدی رساند. به همین دلیل برای دفاع از خود از سلاح سرد استفاده کردند. در این رابطه یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱) بیان داشت: «دست راستم حدوداً یک سال پیش بود در بهاران بودیم دعوا و نزاع کردیم سر بحثی که بهم اهانت شده بود جمع شدیم او‌نا مثلاً تعدادشون زیاده‌تر از من بود، سه نفر بودن و همچنین وقتی تیزی رو خوردم و شونه ام برید و دست راستم برید دیگه پایان دعوا نبود اون موقع منم که چاقو همراهم داشتم دو نفر از او‌نا رو زخمی کردم بعد دعوا تموم شد. دعوا که تموم شد من رفتم بیمارستان و دستم رو بخیه کردم». گروهی دیگر از منازعه‌کنندگان بیان داشتند که دلیل بهره‌گیری از سلاح سرد در منازعه‌ها آن بوده که در این منازعه می‌خواستند که پیروز و موفق شوند. یا بدین دلیل بوده که طرف مقابل آن‌ها قدرتمندتر بوده و نخواستند که از او شکست بخورند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۸) اذعان داشت: «علت استفاده از آلت قتاله‌ام این بوده که طرف مقابلم از خودم بزرگتر و هیکلی تر بوده و یا طرف مقابلم هم آلت قتاله مثل قمه و شمشیر و تیزبرو چاقو در دست داشته است که من هم استفاده کرده‌ام».

دعوی غیر مسلحانه

این مقوله حاکی از آن است که گروهی دیگر از منازعه‌کنندگان در درگیری و منازعه‌های‌شان از هیچ گونه ابزاری یا سلاح سردی استفاده نکردند. این گروه از منازعه‌کنندگان افرادی بودند که زیاد سابقه درگیری و منازعه نداشتند، هرگز شروع کننده درگیری نبوده‌اند و منازعه به طور ناخواسته برای آن‌ها پیش آمده است. به عبارت دیگر، این گروه از منازعه‌کنندگان در برنامه روزانه و زندگی‌شان درگیری و نزاع را گنجانده و پیش‌بینی نکرده‌اند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۵) اذعان داشت: «هیچوقت در دعوا و درگیری از آلت‌های قتاله استفاده نکردم. (مصاحبه شماره ۱۵).

ندامت در وادی دوگانگی

این مقوله بیان‌گر پشیمانی و ندامت در تجربه نزاع و درگیری است. البته تجربه ندامت و پشیمانی در گروه‌های مختلف یکسان نبوده و به اشکال مختلف تجربه شده است. گروهی از منازعه‌کنندگان که سابقه درگیری و منازعه داشتند یا بخاطر اهانتی که به آن‌ها شده است (اهانت ناموسی)، منازعه نموده‌اند، از این تجربه خود نادم و پشیمان نیستند. آن‌ها در این راستا معتقدند که آن‌ها برای دعوا و منازعه دلیل خاصی داشتند و بخاطر موضوع ارزشمندی با دیگری درگیر شدند. همچنین آن‌ها معتقدند که اگر مجدداً در چنین شرایطی قرار گیرند یا چنین اهانتی به آن‌ها شود، مجدداً چنین واکنشی نشان خواهند داد و از پیامدهای آن‌ه واهمه‌ای ندارند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۱) اذعان داشت: «تا به حال راجب هیچ دعوایی پشیمان نشده‌ام، قطعاً دلیلی داشته که دعوا کرده‌ام و بی‌دلیل دعوا نمی‌کنم». گروهی دیگر از منازعه‌کنندگان، بیان داشتند که از این تجربه نادم و پشیمان هستند. این گروه اکثراً افرادی هستند که سابقه درگیری و منازعه ندارند، یا دلیل خاصی برای درگیری نداشتند یا از سوی خانواده مورد سرزنش شدید قرار گرفتند. پشیمانی و ندامت این گروه موجب به این بازاندیشی شده که اگر در شرایط مشابه قرار گیرند، بهتر است که با آرامش آن را حل نمایند و از منازعه و درگیری اجتناب نمایند. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۴) بیان داشت: «خیلی پشیمانم و هیچ وقت انشالا برایم تکرار نشه... اگر همچین شرایطی برام پیش بیاد با کمال آرامش آن را حل می‌کنم یا اون محل و ترک می‌کنم».

مجازات قانونی

این مقوله حاکی از مجازاتی است که افراد منازعه‌کنندگان تجربه کرده‌اند. تجربه آن‌ها دربرگیرنده مجازات‌های مختلفی بوده است. از جمله می‌توان به تشکیل پرونده قضایی در نظام دادگستری و دستگاه انتظامی اشاره کرد. در واقع منازعه و درگیری برای

افراد خاطی منجر به سوءپیشینه برای آن‌ها شده است. از دیگر مجازات‌هایی که افراد خاطی تجربه کرده‌اند، بازداشت در بازداشتگاه‌های نیروی انتظامی و تجربه زندان است. لازم به ذکر که تجربه بازداشت و حبس بسیار به ندرت برای افراد خاطی در نظر گرفته شده است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۷) اذعان داشت: «خیلی پیش اومده که مثال طرف مقابل از من شکایت کرده و هر دو تامون دارای پرونده قضایی هستیم».

مجازات اجتماعی

این مقوله بیان‌گر آن است که علاوه بر مجازات‌های رسمی افرادی که تجربه منازعه و درگیری داشتند مورد سرزنش و مجازات اجتماعی قرار گرفته‌اند. این مجازات و سرزنش‌های اجتماعی به اشکال مختلف بوده است. برخی از افراد نگاه منفی اعضای خانواده و فامیل را تجربه کرده‌اند. آن‌ها بیان داشتند که خانواده نسبت به آن‌ها بدبین شدند و با نگاه منفی و بی‌اعتمادی رفتار و کردار آن‌ها را مورد قضاوت قرار می‌دهند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۷) اذعان داشت: «دیدشون منفی شده اطرافیان مثال دایی‌ها عموها حتی بچه هاشون از من دوری می‌کنند مثال پسر دایی خودم به من به دید منفی نگاه می‌کنند از من دوری می‌کنند که بله من آدم دعوایی هستم و آدم خطرناکیم». گروهی دیگر از مشارکت‌کنندگان اذعان داشتند که بخاطر تجربه درگیری و منازعه، منزلت و احترام اجتماعی‌شان در خانواده، فامیل و محله کاهش یافته است و همانند گذشته مورد احترام قرار نمی‌گیرند. تلقی خانواده و فامیل از این افراد آن است که موجبات سرافکنندگی خانواده را فراهم نموده‌اند. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱) بیان داشت:

«در مورد درگیری‌ها بله مثلاً خیلی از درگیری‌ها سر مثلاً قضیه‌هایی بوده که کش اومده و به خانواده رسیده مثلاً با آشنایی کسی درگیری داشتم و جراحات بهش وارد کردم و این قضیه به خانواده رسیده و کش اومده و متأسفانه پیامدهای خوبی نداشته».

کاهش احساس امنیت

این مقوله بیان‌گر آن است که تجربه درگیری و منازعه موجب شده که افراد منازعه‌کننده همواره احساس ناامنی کنند. نکته حائز اهمیت آن است که این تجربه و احساس برای افراد خاطی و غیرخاطی شکل گرفته است، اما به اشکال مختلف. افراد خاطی از آنجا که همواره سابقه درگیری و نزاع دارند، همیشه از این امر واهمه دارند که مبادا از سوی دشمنان خود یا افرادی که قبلاً با آن‌ها تجربه منازعه داشتند مورد آسیب و صدمه قرار گیرند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۰) اذعان داشت: «در اصل امنیتی نداشتیم چون بعد از هر درگیری حق گرفتنی وجود دارد که باید حق خودشان را بگیرند و من هم حس امنیت ندارم چون میدونم انتقام میگیرند... من هر موقع که بیرون میرفتم حتماً سلاحی با خودم حمل میکردم که خدایی نکرده آسیبی به من وارد نشود». منازعه‌کنندگان غیرخاطی نیز اذعان داشتند وقتی که به راحتی توسط دیگران مورد آسیب قرار می‌گیرند و نیروهای امنیتی و قضایی نمی‌توانند امنیت را برقرار کنند و خاطیان را مجازات کنند، احساس امنیت زیادی ندارند. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۱۳) بیان داشت: «هر جا میرم که شبیه همین خیابونا باشه احساس می‌کنم که ممکنه دوباره یکی بیاد و این ماجرا برام پیش بیاد و بیفتم توی یه هچل دیگه (مصاحبه شماره ۱۳). عدم حضور به موقع نیروی انتظامی موجب شده که شهروندان این تلقی را داشته باشند که نظارت نیروی انتظامی در جامعه بسیار کم‌رنگ است و همین امر سبب احساس ترس و ناامنی داشته باشند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۷) اذعان داشت: «بله به نظر من زیاد پیگیر نیستند اصلاً به همین چیزهای توجه خیلی خیلی کمی میکنند امنیتی خیلی کم شده توی استان کردستان حتی ممکنه یه فرد تو یه روز چندتا درگیری داشته باشه».

شناخت دستگاه قضایی-امنیتی ناکارآمد

این مقوله حاکی از آن است که تجربه درگیری و نزاع تجربه‌ای معرفتی و شناختی است به ویژه درباره فرایند قضایی-امنیتی جامعه. بسیاری از منازعه‌کنندگان اذعان داشتند که به این شناخت رسیدند که دستگاه قضایی در راستای برقراری عدالت ناکارآمد است. البته در این راستا شناخت افراد خاطی با افراد شاکی متفاوت است. افراد شاکی به این نتیجه رسیدند که اولاً نیروی انتظامی به موقع در محل حضور نمی‌یابند و مداخله نمی‌کنند. ثانیاً دستگاه قضا به دلیل طولانی بودن فرایند دادرسی و پروسه کاغذبازی و ضعف قوانین کیفری قادر به ادای حق آن‌ها و برقراری عدالت نیست. به همین دلیل شناخت آن‌ها، همراه با القای احساس ناامیدی است. برخی از منازعه‌کنندگان غیرخاطی به این نتیجه رسیدند که اگر در آینده در شرایط نزاع و درگیری قرار گرفتند، بهتر است در همان درگیری و نزاع یا در زمان و مکان دیگری خود شخصاً عدالت را برقرار نمایند و آن را به دستگاه قضا واگذار نمایند. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۵) اذعان داشت: «وقتی شما ببینید که پرونده ای به جریان بی افتد سالی دو سال طول خواهد کشید و همش باید هزینه رفت و آمد و جنگ اعصاب داشته باشی و بخاطر همین طرف تصمیم میگیره بهتره خودش دنبال کار رو بگیره». منازعه‌کنندگان خاطی نیز در همین فرایند به این شناخت رسیدند که نیروی انتظامی به موقع در محل حادثه حضور نمی‌یابند و زیاد مداخله نمی‌کنند. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۹) بیان داشت: «معمولاً دیر بر سر صحنه حاضر میشوند تا زمانی که نیروهای انتظامی برسند من دعوا کرده‌ام و فرار کرده‌ام». ثانیاً افراد خاطی به این شناخت رسیدند که در فرایند دادرسی زیاد مورد مجازات قرار نمی‌گیرند و به دلیل پروسه طولانی و ضعف قانونی دربرگیرنده امید به رهایی و رضایت از افراد شاکی است. بنابراین شناخت آن‌ها همراه با القای احساس امید و رهایی و تصمیم بر تداوم و استمرار نزاع است. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۹) بیان داشت: «طولانی شدن تشکیل پرونده و رفت و آمد به دادگاه و تشکیل دادگاه انقدر طولانی میشود که طرف مقابل ترجیح میده رضایت بدهد».

مقوله جراحات

این مقوله بیان‌گر صدمه و آسیبی است که منازعه‌کنندگان در منازعه و درگیری تجربه کرده‌اند. برخی از منازعه‌کنندگان اذعان داشتند که در درگیری و منازعه‌ها با استفاده از سلاح سرد به صورت یا بدن یا دست فرد مقابل آسیب رسانده‌اند. در این راستا لازم به ذکر است که برخی از این آسیب‌ها سطحی بوده و برخی نیز دربرگیرنده جراحات‌های عمیق بوده است. در این راستا یکی از مشارکت‌کنندگان (شماره ۸) اذعان داشت: «در دعوای آخر همان طور که اشاره کردم که رزمی کار بودم و مبارز. چند تا مشت انداختم که گونه طرف مقابلم ترکید، یک دندانم شکست و بینی او هم آسیب دید و کارش به بیمارستان کشیده شد». همچنین منازعه‌کنندگان بیان داشتند که از آنجا که فرد مقابل از سلاح سرد استفاده کرده، دچار آسیب و جراحات سطحی یا عمیق شده‌اند. این بدان معناست که تجربه نزاع و درگیری دربرگیرنده آسیب زدن و آسیب دیدن است. در این رابطه یکی دیگر از مشارکت‌کنندگان (شماره ۲) بیان داشت: «بله دستم شکست و زانوهایم و دست‌هایم زخمی شد. (مصاحبه شماره ۲).

کدگذاری محوری

در این مرحله با توجه به ارتباط و پیوندی که بین مقوله‌ها وجود داشت، مقوله‌های مذکور مجدداً مورد دسته‌بندی و در ذیل یکی از ابعاد شرایطی، راهبردی و پیامدی قرار داده شدند.

- پدیده: نزاع آنومیک
- شرایط علی: هتک حرمت و کاهش آستانه تحمل.
- شرایط مداخله‌گر: مشکلات ترافیکی، تنش‌های خانوادگی، تقلید خشونت و تأخیر-نظاره‌گری گشت‌های انتظامی.
- شرایط زمینه‌ای: هنجارهای خشونت، اقتصاد نابسامان، ناموس پرستی-شجاعت محوری، و دادرسی ناکارآمد.

- استراتژی‌ها و راهبردها: دعوای مسلحانه و دعوای غیرمسلحانه (سلاح سرد).
- پیامدها: شناخت دستگاه قضایی-امنیتی ناکارآمد، ندامت در وادی دوگانگی، مجازات قانونی، کاهش احساس امنیت، جراحات و مجازات اجتماعی.

مقوله هسته

تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک داستان توصیفی در زمینه پدیده نزاع و درگیری فردی در سنجش بیان‌گر آن است مقوله هسته که دیگر مقوله‌ها به شیوه‌های مختلف با آن در ارتباط هستند، مقوله «نزاع آنومیک چند بُعدی» است. این مقوله به انتزاعی‌ترین نحو ممکن به پرسش‌های زمینه‌ای، تعاملی و پیامدی پاسخ می‌دهد و می‌توان مسیر رویداد آن را از دل داده‌های زمینه‌ای از طریق رجوع به مقولات محوری پی گرفت. مقوله «نزاع آنومیک چند بُعدی» بیان‌گر آن است که در شکل‌گیری نزاع و درگیری فردی در شهر سنندج پدیده‌ها و نهادهای اجتماعی مختلفی نقش دارند؛ نهادها و پدیده‌هایی که دچار آنومی و نابسامانی شده‌اند و همین آنومی زمینه‌ساز شکل‌گیری نزاع و درگیری و پیامدهای آن است. از جمله نهادها و سازمان‌هایی که دستخوش آنومی و نابسامانی هستند، می‌توان به فرهنگ، نهاد انتظامی، نهاد قضایی، نهاد اقتصاد، نهاد خانواده، گروه دوستان و سازمان‌هایی مانند شهرداری اشاره کرد. با انتخاب مقوله هسته، سایر مقوله‌ها به عنوان مقوله‌های فرعی تعیین می‌شوند.

نظریه چرخه نزاع و درگیری فردی

با توجه به آن که نزاع و درگیری فردی، یک پدیده اجتماعی تام به شمار می‌آید و در شکل‌گیری آن عوامل خرد و کلان نقش دارند، مسئله معنا و آگاهی کنش‌گران در شکل‌گیری این پدیده حائز اهمیت است. به عبارت دیگر، انسان به مثابه موجودی آگاه و کنش‌گری فعال بر اساس انگیزه، آگاهی و هدف و در تعامل با شرایط و بسترهای مختلف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و درک این شرایط به کنش اقدام می‌کند و پیامدهای این کنش را تجربه می‌نماید. این بدان معناست که کنش‌های متفاوت در زمان و مکان مختلف، بر اساس انگیزه، آگاهی و هدف و در تعامل با شرایط و بسترهای مختلف تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و درک این شرایط شکل می‌گیرد. در این راستا شکل‌گیری و افزایش نزاع و درگیری فردی در سنندج در چند سال اخیر بدین صورت است:

مردم کُرد به علت جغرافیای ناهموار و تاریخ سیاسی چند هزار ساله همواره در طول تاریخ مردمانی شجاع و غیوری بوده‌اند؛ غیور هم در حفظ مرز و بوم و هم خانواده و ناموس. این ویژگی در طول تاریخ را به یاد کشیدند و به نحوی با وجود آن‌ها عجین شده و به یکی از مهم‌ترین مؤلفه فرهنگی آن‌ها تبدیل شده است؛ به طوری که در دوره معاصر نیز سایر اقوام، کُردها را با این ویژگی می‌شناسند و نام کُرد تداعی شجاعت و غیرت و ناموس‌پرستی در اذهان مردمان سایر اقوام است. این ویژگی فرهنگی در گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های امروزی مانند خرده فرهنگ جوانان و گروه دوستان (پسرها) تحت عنوان غیرت، شجاعت و نماد مردانگی جلوه و نمود یافته است و جوانان کُرد امروزی این ویژگی را میراث نیاکان دانسته و حفظ آن را وظیفه خود می‌دانند و به نحوی به آن می‌بالند. بنابراین این ویژگی در خرده فرهنگ جوانان نمود و شدت بیش‌تری دارد و موجب شده که علاقه بیش‌تری به مشاهده فیلم‌های اکشن و رزمی و تقلید از آن‌ها داشته باشند.

در سال‌های اخیر زندگی بسیاری از مردم کُردستان (ساکنان کشور ایران) از یک سو، تحت تأثیر تورم فراگیر و صعودی و شرایط نابسامان اقتصادی دستخوش تغییرات بزرگی شده و میزان درآمد و کیفیت زندگی مردم به شدت کاهش یافته است. این امر منجر به شکل‌گیری تنش‌های خانوادگی در خانواده‌های این منطقه شده است. از سوی دیگر، این استان در دهه‌های اخیر نیز دچار مشکلات متعددی مانند توسعه نیافتگی، مشکلات شهری-ترافیکی و نارسایی و ضعف قوانین انتظامی است که این موارد

منجر شده‌اند که گشت‌های انتظامی نتواند کارکرد خود را به خوبی انجام دهد و با مشکل تأخیر و نظاره‌گری مواجه باشد. یکی دیگر از مشکلاتی که در این منطقه نمود فراوانی دارد، ناکارآمدی نهادها و سازمان‌های مدرن از جمله ناکارآمدی نهاد قضا به دلیل حجم فراوان پرونده‌های قضایی و طولانی بودن فرایند دادرسی به دلیل بررسی دقیق پرونده است. وضعیت نابسامان اقتصادی و ناکارآمدی نهادهای قضایی-انتظامی موجب شده است که مردمان گُرد در ایران همواره دغدغه اقتصادی و قضایی را داشته باشند و نسبت به سایر مشکلاتی که جامعه گریبانگیر آن است، آگاه باشند.

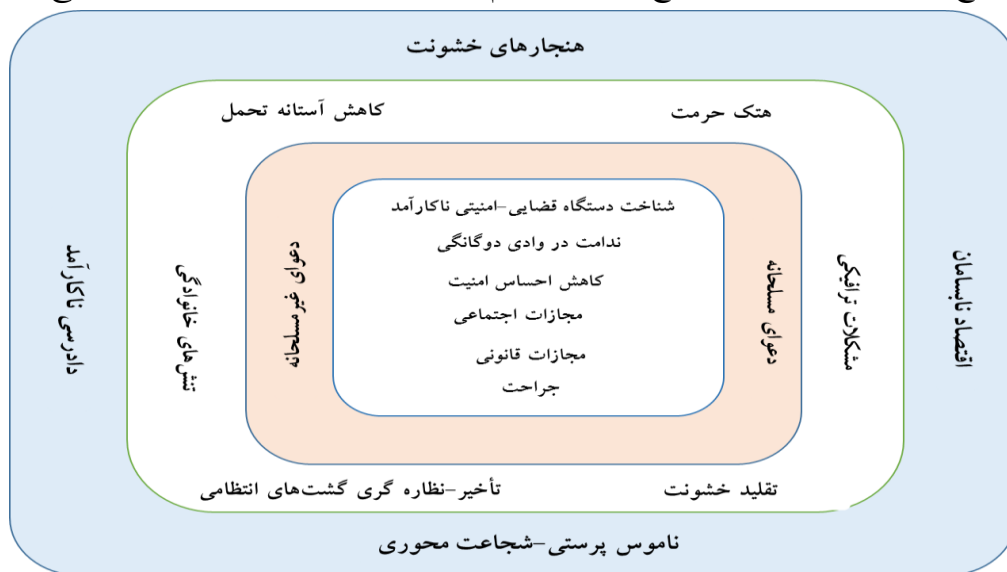
دغدغه‌های اقتصادی مختص گروه یا خرده فرهنگی خاصی نیست بلکه امری فراگیر است، البته جوانان به دلیل آن که در آستانه ازدواج هستند یا به تازگی ازدواج نموده‌اند، دغدغه اقتصادی بیش‌تری دارند و چالش‌های اقتصادی بیش‌تری را تجربه می‌کنند. همین امر منجر به تنش‌های خانوادگی و در نهایت ناآرامی روحی-روانی جوانان شده است؛ جوانانی که غیرت و شجاعت را میراث نیاکان و مایه افتخار خود می‌داند. جوانان این دغدغه‌ها و ناآرامی‌ها را همواره با خود حمل می‌کنند و هنگامی که در محیط خارج از خانه با کوچکترین رویداد نامتعارف و نابهنجاری اخلاقی از جمله هتاکی، فحاشی و اهانت مواجه می‌شوند، این ناآرامی روحی-روانی فوران می‌کند و از آنجا که پذیرش چنین رفتار اهانت‌آمیزی با مؤلفه‌های فرهنگی آن‌ها (شجاعت، غیرت و ناموس‌پرستی) ناسازگار است، چنین رفتاری را برنمی‌تابند و تصمیم به واکنش متقابل و متناسب با کنش مشاهده شده را می‌گیرند. از آنجا که این گروه از جوانان به دلیل مشاهده فیلم‌های اکشن، علاقه به درگیری و دعوا در آن‌ها شکل گرفته، تنها دعوا و درگیری را کنش متناسب با کنش مشاهده شده و ویژگی‌های فرهنگی و شخصیتی خود می‌دانند. تأخیر و نظاره‌گری نیروی انتظامی و طولانی بودن فرایند دادرسی و ناکارآمدی دستگاه قضا نیز مزید بر علت می‌شود و منجر می‌گردد که این گروه از جوانان در تصمیم خود راسخ شوند و شروع به درگیری و منازعه نمایند. بنابراین تصمیم آن‌ها در قالب دعوا و منازعه (درگیری مسلحانه با سلاح سرد و درگیری غیرمسلحانه) نمود می‌یابد.

درگیری و منازعه این گروه از جوانان پیامدهای مختلفی در پی دارد، از یک سو، منجر به جراحت و آسیب زدن به خود و دیگران می‌شود، و از سوی دیگر، منجر می‌شود که مورد مجازات قرار گیرند. از یک سو، از سوی قانون مورد مجازات قرار می‌گیرند که مجازات آن‌ها در قالب حبس، بازداشت و جریمه تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، از سوی خانواده و اطرافیان مورد مجازات قرار می‌گیرند (مجازات اجتماعی) که در قالب سرزنش، تغییر منزلت و جایگاه اجتماعی، نگاه منفی و بدبینی نمود می‌یابد که این امر منجر می‌شود برخی از افراد منازعه‌کننده احساس ندامت و پشیمانی نمایند. البته گروهی از این افراد به دلیل آن که شروع کننده درگیر و نزاع بوده‌اند و نزاع را محق دانسته‌اند یا دچار مجازات و آسیب جدی نشده‌اند، احساس ندامت و پشیمانی چندانی ندارند.

پیامدهای نزاع و درگیری به مجازات و جراحت محدود نمی‌شود بلکه موجب کاهش احساس امنیت افراد منازعه‌کننده می‌شود. برخی از این افراد از آنجا که دعوا بر آن‌ها تحمیل شده است، از محیط‌های مشابه همواره احساس ترس و ناامنی دارند و افرادی که در درگیری و منازعه به طرف مقابل آسیب رسانده‌اند، به دلیل تأخیر-نظاره‌گری نیروی انتظامی و کینه طرف مقابل همواره از این امر واهمه دارند که دیگری انتقام بگیرد و به آن‌ها آسیب جدی برساند. به همین دلیل احساس امنیت بالایی ندارند و همواره برخی از آن‌ها سلاح سرد را با خود حمل می‌کنند.

یکی دیگر از پیامدهایی که افراد منازعه‌کننده تجربه می‌نمایند شناخت دستگاه قضایی-امنیتی ناکارآمد است. فرایند دادرسی طولانی که دربرگیرنده کاغذبازی فراوانی است، موجب شده که بسیاری از شاکی‌ها از ادامه روند شکایت خود صرف نظر کرده و به افراد خاطی تن به رضایت دهند که این امر سبب شده که افراد خاطی از یک سو، به شناخت ناکارآمدی دستگاه

قضا پی ببرند و از سوی دیگر، به اخذ رضایت از افراد شاکی امیدوار شوند که همین امر موجب شده که بسیاری از افراد خاطی احساس ندامت بابت نزاع و درگیری نداشته باشند و بر تکرار عمل خود در شرایط مشابه پافشاری نمایند. پافشاری بر تصمیم و تکرار عمل نزاع نیز سبب شکل‌گیری چرخه نزاع و درگیری و تداوم و روند صعودی آن در چند دهه اخیر در سنج شده است.



شکل شماره ۳: ماتریس نزاع و درگیری فردی

بحث و نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر سعی بر آن بود که با بهره‌گیری از مفاهیم تفسیر کنش، انومی اجتماعی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی و تفاوت در هم‌نشینی و روش نظریه زمینه‌ای زمینه‌های شکل‌گیری نزاع‌های فردی، راهبردها و پیامدهای آن در شهر سنج مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد. نتایج پژوهش بیان‌گر آن است که منازعه‌کنندگان در بستر و شرایط و زمینه‌هایی مانند هتک حرمت و کاهش آستانه تحمل (به مثابه شرایط علی)، مشکلات ترافیکی، تقلید خشونت، تأخیر-نظاره‌گری گشت‌های پلیس، و تنش‌های خانوادگی (به منزله شرایط مداخله‌گر) و هنجارهای خشونت، اقتصاد نابسامان، فرهنگ ناموس پرستی-شجاعت محوری و دادرسی ناکارآمد (به مثابه شرایط زمینه‌ای) اقدام به نزاع و درگیری فردی با استفاده یا بدون استفاده از سلاح سرد نموده‌اند که این امر پیامدهایی مانند شناخت دستگاه قضایی-امنیتی ناکارآمد، ندامت در وادی دوگانگی، مجازات قانونی، کاهش احساس امنیت، جراحت و مجازات اجتماعی برای آن‌ها دربرداشته است. چنین نتایجی بیان‌گر آن است که نزاع و درگیری فردی صرفاً امری فردی نیست، بلکه امری فردی، اجتماعی، فرهنگی و نهادی نیز است؛ فردی است زیرا ناهنجاری اخلاقی و ناتوانی در کنترل رفتار به مثابه شرایط علی در شکل‌گیری آن نقش دارند. اجتماعی است، زیرا گروه دوستان در شکل‌گیری آن به مثابه شرایط زمینه‌ای عمل می‌نماید. نهادی است، زیرا تنش‌های خانوادگی، اقتصاد نابسامان، دادرسی ناکارآمد و تأخیر-نظاره‌گری در شکل‌گیری آن به مثابه شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر عمل می‌نمایند که این امر بیان‌گر ضعف نهادهای خانواده، اقتصاد، و بخشی از نهادهای انتظامی و قضایی است. دیگر نتیجه تحقیق آن است نزاع و درگیری فردی علی‌رغم همه پیامدهای منفی که دارد، هنوز امنیتی تلقی نمی‌شود و به عنوان یک تهدید وجودی برای بقای یک جامعه یا واحد سیاسی معرفی نگردیده است.

نتایج تحقیق حاضر، تصویری چندوجهی از این پدیده را آشکار می‌سازد که فراتر از انگیزه‌های صرفاً فردی است. همانطور که نتایج نشان داد، این نزاع‌ها در بستری از عوامل کلان اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نهادی شکل می‌گیرند و پیامدهای آن نیز

صرفاً به مجازات‌های قانونی محدود نمی‌شود، بلکه احساس امنیت اجتماعی، سلامت روان و اعتبار نهادی را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با توجه به یافته‌های پژوهش، ناکارآمدی برخی نهادها مانند سیستم قضایی و انتظامی در پاسخگویی به موقع و مؤثر، زمینه‌ساز تداوم و تشدید این پدیده‌ها می‌شود. بنابراین، برای مقابله ریشه‌ای با نزاع‌های فردی، لازم است راهکارهایی چندجانبه و هماهنگ در سطوح مختلف اتخاذ شود.

تحقیق حاضر علاوه بر کشف و استخراج یک نظریه بومی-محلی با عنوان چرخه نزاع و درگیری فردی به لحاظ نظری، از آنجا که بیان‌گر آن است که ناکارآمدی دستگاه قضا و تأخیر و نظاره‌گری نیروی انتظامی یکی از شرایط نزاع و درگیری در استان کردستان است با نظریه آنومی مرتون همخوانی دارد، زیرا ایده اصلی مرتون در این خصوص آن بود که نارسایی فشارهای ساختی جامعه برای همناوبی با ارزش‌های فرهنگی آن منجر به بروز انحرافات می‌شود (کونن، ۱۳۷۲). از سوی دیگر، نتایج تحقیق از آن جهت که بیان‌گر نقش گروه دوستان در شکل‌گیری نزاع و درگیری در استان کردستان نقش دارد، با نظریه یادگیری اجتماعی همخوانی دارد، زیرا بر اساس تئوری یادگیری اجتماعی باندورا، رفتارهای ناهنجار، مثلاً گرایش به نزاع‌های فردی و دسته جمعی، زائیده یادگیری اجتماعی هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳). نتایج تحقیق از آن جهت که بیان‌گر آن است که دادرسی ناکارآمد و تأخیر-نظاره‌گری گشت انتظامی در شکل‌گیری نزاع و درگیری در استان کردستان نقش دارند، با نظریه مکتب کپنهاک همخوانی دارد، زیرا طبق این نظریه اگر پدیده‌ای امنیتی تلقی نشود، نهادهای قضایی و انتظامی برای رفع آن وارد عمل نمی‌شوند و اقدامات فوق‌العاده و خارج از روال عادی (مانند محدودیت‌های شدید، استفاده از زور، یا نقض حقوق شهروندی) برای مقابله با آن انجام نمی‌دهند. همخوانی نتایج تحقیق با نظریه‌هایی چون آنومی مرتون، یادگیری اجتماعی باندورا و رویکردهای مکتب کپنهاک، اعتبار بین‌المللی یافته‌ها را تقویت می‌کند و نشان می‌دهد که پدیده‌های اجتماعی، علی‌رغم تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی، دارای الگوهای مشترکی هستند.

به لحاظ تجربی، نتایج تحقیق حاضر از آنجا که بیان‌گر آن است که مؤلفه‌های هتک حرمت، نابسامانی اقتصادی در شکل‌گیری نزاع و درگیری در سنجندج نقش دارند با نتایج تحقیقات دسته دوم از جمله تحقیقات افشانی و همکاران (۱۳۹۴) رحیمی و شاکری (۱۳۹۶) و بارون و هارت نیگل^۱ (۱۹۹۸) همخوانی دارد، زیرا نتایج تحقیق مذکور نیز بیان‌گر آن است که در شکل‌گیری نزاع‌های فردی نابسامانی اقتصادی و محرومیت نسبی در حوزه اقتصادی عامل اساسی نزاع و درگیری است. همچنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات دسته چهارم از جمله وول (۲۰۰۷) و استدمن (۲۰۰۸) نیز همخوانی دارد، زیرا نتایج تحقیق مذکور حاکی از آن است که رفتار خشونت‌آمیز محصول نظارت ضعیف نیروی انتظامی است که آن نیز برآمده از بی‌سازمانی فضای جغرافیایی و مؤلفه‌های آن مانند جغرافیای نامساعد و مناطق بی‌سازمان است. نتایج تحقیق حاضر نیز حاکی از آن است که تأخیر-نظاره‌گری نیروی انتظامی در شکل‌گیری نزاع و درگیری در استان کردستان نقش دارد. در نهایت نتایج تحقیق حاضر با نتایج دسته پنجم تحقیقات مانند قاسمی و کمریگی (۱۳۹۷) و احمدی و ادهمی (۱۳۹۷) همخوانی دارد، زیرا نتایج تحقیق حاضر و تحقیقات مذکور بیان‌گر آن هستند که کاهش آستانه تحمل افراد موجب نزاع و درگیری شده است. تحقیق حاضر علاوه بر وجوه مشابه با تحقیقات پیشین، دربرگیرنده تمایزات، تفاوت‌ها و دستاوردهای جدیدی نیز می‌باشد. تحقیق حاضر از آنجا که بر نقش مشکلات ترافیکی، مشاهده فیلم‌های اکشن، دادرسی ناکارآمد، ناموس‌پرستی-شجاعت محوری در شکل‌گیری نزاع و درگیری در شهر سنجندج تأکید دارد و به پدیده‌هایی مانند شناخت دستگاه قضایی-امنیتی ناکارآمد، ندامت در وادی دوگانگی، مجازات قانونی، کاهش احساس امنیت، جراحت و مجازات اجتماعی به عنوان پیامدهای تجربه

1 Baron & Hartnagel

زیسته منازعه‌کنندگان در شهرستان سنندج اشاره دارد با تحقیقات پیشین متمایز است. همچنین یکی از دستاوردهای تحقیق حاضر تدوین و استخراج نظریه زمینه‌ای مبتنی بر داده‌ها است. در بعد کاربردی نیز، این تحقیق می‌تواند راهنمای سیاست‌گذاران، نهادهای انتظامی و قضایی، و فعالان اجتماعی در تدوین برنامه‌های پیشگیرانه و اصلاحی باشد. پیشنهاد می‌شود با تقویت نهاد خانواده، ارتقاء مهارت‌های کنترل خشم و حل مسئله در سطح فردی و اجتماعی، اصلاح فرآیندهای دادرسی و افزایش کارایی و سرعت عمل نیروهای انتظامی، گام‌های مؤثری در جهت کاهش و کنترل نزاع‌های فردی در شهر سنندج و سایر مناطق مشابه برداشته شود.

منابع

- احمدی، یعقوب و ادهمی، جمال (۱۳۹۷). مطالعه جامعه‌شناختی نزاع‌های خیابانی (بررسی افراد درگیر نزاع در شهر سنندج). مطالعات اجتماعی ایران، ۱۲ (۳)، ۳۱-۵.
- استراوس، انسلم و جولیت کریبن (۱۳۹۱)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (ابراهیم افشار، مترجم). تهران: نی.
- اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر و احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵). داعش و امنیت ایران با تکیه بر مکتب کهنه‌گ. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۵ (۱۸)، ۱۲۳-۱۴۲.
- افشانی، سیدعلیرضا، نوائی، سعید و دلبازی اصل، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی پدیده نزاع در بین شهروندان ساکن شهر یزد. مجله پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۴ (۱)، ۷۹-۹۴.
- حسین‌زاده، علی حسین، نواح، عبدالرضا و عنبری، علی (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر میزان گرایش به نزاع دسته جمعی در شهر اهواز. فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳ (۲)، ۱۹۱-۲۲۵.
- حسینی، رضا (۱۳۸۳). مجموعه آمار جرایم در ایران، مجموعه مقالات اولین همایش آسیب‌های اجتماعی در ایران. تهران: آگه.
- حیدری، محمدتقی، رسول‌زاده، زهرا و طهماسبی مقدم، حسین (۱۴۰۲). تحلیل فضایی- زمانی نزاع خیابانی ناشی از تصادفات درون شهری (مورد مطالعه: شهر زنجان). پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، ۱۱ (۴۲)، ۳۳-۶۰.
- دفتر تحقیقات کاربردی نیروی انتظامی استان کردستان (۱۴۰۱). گزارش نزاع و درگیری در شهرستان سنندج.
- ربانی، رسول، عباس‌زاده، محمد و نظری، جواد (۱۳۸۸). بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی شهرستان‌های منتخب استان ایلام). فصلنامه انتظام اجتماعی، ۱ (۳)، ۱۰۳-۱۲۶.
- رحیمی، پوریا و شاکری، رویا (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مرتبط با نزاع و درگیری فردی در سنندج. مجله دانش انتظامی کردستان، شماره ۲۰ (۶)، ۴۲-۶۰.
- ریتزر، جرج (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: انتشارات علمی.
- سازمان پزشکی قانونی (۱۳۹۰). گزارش آمارهای مربوط به نزاع.
- عشایری، طاها، تاملی، حمیدرضا، وثوقی اصل، اصغر و میرلوحی، سید علی (۱۴۰۲). تحلیل محتوای کمی پرونده‌های نزاع و درگیری (مورد مطالعه: استان اردبیل). مطالعات امنیت اجتماعی، ۱۴ (۷۴)، ۲۷-۴۸.
- فیضی، کامران و سرکیسیان، آلفرد (۱۳۸۷). تجزیه و تحلیل معیارهای کیفیت در روش تحقیق کیفی. فصلنامه مطالعات جهانگردی، ۳ (۸-۹)، ۱-۲۳.

- قاسمی، یارمحمد و خلیل کمربگی (۱۳۹۷). نزاع فردی در میان محکومان نزاع در استان ایلام. مطالعات اجتماعی، ۱۱ (۲)، ۹۸-۱۱۹.
- کوئن، بروس (۱۳۷۲). مبانی جامعه‌شناسی (غلامعباس توسلی، مترجم). تهران: سمت.
- گراوند، هوشنگ و دلاور، علی (۱۴۰۰). فرامطالعه عوامل مؤثر بر نزاع و راه‌کارهای مقابله با آن طی سال‌های ۸۵ تا ۹۶ در کلانشهر تهران. پژوهشنامه نظم و امنیت انتظامی، ۱۵ (۳)، ۱-۳۲.
- گیدنز، آتونی. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی (حسن چاوشیان، مترجم). تهران: نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۳) و ندالیسم. تهران: انتشارات آن.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲). ضد روش؛ مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، جلد دوم.
- ممتاز، فریده. (۱۳۸۷). انحرافات اجتماعی؛ نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار. چاپ سوم.
- نظری، جواد (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی میزان گرایش به نزاع جمعی در استان ایلام. فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ۳ (۱۰)، ۷۷-۹۴.
- نظری، جواد و امینی فسخودی، عباس (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی در روستاهای استان ایلام. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۵۴، ۱۸۷-۲۱۰.
- وزارت کشور (۱۳۸۳). گزارش آمارهای مربوط به نزاع.
- ویسی، ناصر و عبدی، علی (۱۴۰۰). مطالعه واکاوی عوامل مؤثر بر نزاع و درگیری پس از تصادفات رانندگی در شهر کرمانشاه. انتظام اجتماعی، ۱۳ (۲)، ۲۱۷-۲۴۴.
- Franc, E., M. Samms-Vaughan. Hambleton, K. Fox, D. Bron (2008). Interpersonal violence in three Caribbean countries: Barbados, Jamaica, and Trinidad and Tobago. Rev Panama Saluda Publican. 24,(6), 409-421.
- Haynie, D.L., Silver, E., Teasdale, B. Haynie, D.L. Silver, E. & Teasdale, B. (2006). Neighborhood Characteristics, Peer Networks and Adolescent Violence. Journal of Quantitative Criminology, 22, 147-169.
- Khedrizadeh, G., Mousavi, S., & Jafari-Koshk, T. (2022). Trends of Street Fights/Quarrels in Iran 2013 - 2018: A Bayesian Spatiotemporal Perspective. Shiraz E-Med J, 23 (4), 1- 6.
- Lorine, A. Hughes, J. F., & Short, J.R. (2005). Disput involving youth street Gang members: Micro-Social Contexts. Criminology, 43 (1), 43-76.
- Ojeda, L., Pino, A. (2019). Spatiality of street vendors and sociospatial disputes over public space: The case of Valparaíso, Chile. Cities, 95 (3), 1-10.
- Steadman, D. (2008). Warfare Related Trauma at Orendorf, A Middle ississippiian Site in West-Central Illinois. American Journal of Physical Anthropology, vol. 136, p 51-64.
- Vowell, Paul R. (2007). A Partial Test of an Integrative Control Model: Neighborhood Contexts, Social Control, Self- Control, and Youth Violent Behavior", Western Criminology Review, 8(2), 1-15.
- Walker. Diane & Myrick. Florence (2006). Grounded Theory: An Exploration of Process and Procedure. Qualitative Health Research, 16 (4), 547-559.